

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

تیمور شاه تیموری

المان – شهرک زیزن

ششم می 2013

باز هم یادی از فرشته

امروز پنجم می 2013 از طرف دوست هنرمند و گرامیم، الحاج محمد ابراهیم جان "حبیب زی" – رئیس "اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان" مقیم امریکا – تمثال برجسته و زیبایی به هنرمندی خود شان از جوان جوانمرگ عبدالنواب جان عبادی به نشر رسید که به سن 24 سالگی در ماه رمضان 2012 به اثر تصادم موتر جام شهادت نوشیده اند. و توسط این تمثال زیبا حبیب زی صاحب به فامیل آن جوان شهید اظهار تسلیت و همدردی نموده و کوشش کرده اند از غم و اندوه جانکاه آن فامیل رنجیده بکاهند. داغدیدگان از درد دل و سوزش مغز استخوان همدیگر آگاهند. وجه تشابه مرگ این جوان با مرگ "فرشته عزیز"، نواسه دلبندهم، دفعه‌ای چنان مرا به یاد فرشته انداخت که گوئی از غصه آب شدم و در زمین فرو رفتم. فرشته نیز در همین عین سن جوانی بود؛ او هم به اثر تصادم موتر جان باخت، مرگ او نیز در ماه رمضان بود. این یادآوری و وجوه مشابه، زخم چندین سال قبل را که کمی التیام یافته بود، دوباره تازه کرد و باز هم ناله سردادم. من از مرگ فرشته قبل برین در مجله "درد دل افغان" که به معنای واقعی زداینده درد دل است، و به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" – پورتال آزادگان – درد دل کرده ام، اینک یک ناله دیگر درینجا سر میدهم، تا باشد شرکت دوستان به این رنج چیزی از دردم بکاهد. امیدوارم غصه خوانندگان عزیز را سبب نشوم.

خون میچکد ز دیده ام، و قلب من فگار
زهری ست درد نامرادی کز جان نمیرود
داغی فتاده بر جگر، و سینه داغدار
با ناله هـ و شیون و اندوه مرگبار

یاد از عزیز میکنی و غصه میخوری کوه غم است کآمه بر قلب ناقرار
سخت است زنده بودن و دیدن بچشم خویش مرگ کسی که بودن او بود افتخار
یا آن کبوتری که ز بیرحمی خودت رفته بکام و پنجه شاهین روزگار
مرگ تو ای فرشته ام، ای چشم روشنم کورم نمود کور، من زار و هم نزار
تیمور بقای تو ست به ابقای دوستان
مرگ است این که به خود کردی اختیار